



۲۰۱۹/۱۰/۱۱



مرجان کمال

تحریک طالبان نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت بیست و سوم



نقشت ز برابر نظر می نرود

سودای تو از سرم بدر می نرود

سر می رود و بی تو به سر می نرود

افسوس که در پای تو ای سرو روان



هویت و عقیده

عملیۀ پیوست شدن تحریک طالبان افغان با شبکه القاعده بدون مشکلات نبود. جنبش هایی اند که از ائتلاف چندین شبکه مختلف تشکیل شده اند، برای اجرا نمودن عملیات های خود مجبور هستند که فعالیت های خود را به ارتباط محلات مطابقت دهند. خود مختاری در مقابل پاکستان و همبستگی فراملتی: در این مرحله، خود مختاری در مقابل پاکستان و استحکام و پایداری شبکه های فراملتی، مطابق به فرضیه هایی هستند که از طریق آن ها احتمال بیشتر فهمیدن برای ادامه و زنده ماندن جنبش طالبان موجود بوده است.

آنچه قابل تأیید برای استحکام و پایداری جنبش طالبان و تحول آن‌ها بعد از تاریخ یازده سپتامبر 2001 میلادی می‌باشد، نظریه موجودیت یک جریان بنیادگرایان متحرک است که در بین گروپ‌های مشخص اجتماعی در دهات و قصبات، با سخنرانی‌ها افراد آن محلات را جذب می‌کنند.

موجودیت مشکلات در احیای دوباره دولت نیز زمینه را برای ظهور دوباره طالبان مهیا ساخت، کوشش خواهد شد که به تحلیل این پدیده پرداخته شود.

تشدید ادغام جنبش طالبان با شبکه‌های فراملتی در یک زمینه و فضایی سیاسی و اجتماعی بی‌وقوع پیوست، که برای شان اجازه اتکاء به دینامیک‌های که به صورت تاریخی ایجاد شده‌اند، بدهد.

محکم ساختن ارتباطات تحریک طالبان با حمایت گران خارجی شان به زودی و در فردای آمادگی‌های نظامی به رهبری امریکا صورت گرفت و سبب به وجود آمدن رویداد هائی گردید که مناطق و ولسوالی‌های قبایلی را در یک عملیه ترکیب دوباره سیاسی و اجتماعی رو به رو ساخت.

تشکیلات مختلف سیاسی نظامی (Tanzim-s) و گروپ‌های مسلح که توسط شورشیان متحرک ساخته شده‌اند، و در نزد شان ناهماهنگی‌های زیاد، مخصوصاً در تهادب اجتماعی و فرهنگ سیاسی مشخص گردیده است.

تحلیل از گروپ‌های تشکیل دهنده اغتشاشیون، نشان دهنده این است که ما به یک جنبش نا متجانس رو به رو هستیم. اغتشاشیون برای خشونت‌ها از ستراتیژی جنگ‌های چریکی، که یک خشونت مسلحانه متحرک می‌باشد، استفاده نموده تا فرسودگی طرف مقابل را در دراز مدت سبب شوند. در این نوع جنگ‌ها شورشیان متحمل از دست دادن تعداد زیادی جنگجویان شان می‌شوند، که این تلفات اعضای خود را با دفاع از اسلام که موقعیت مرکزی را نزد شان دارا می‌باشد، توجیه می‌کنند. اغتشاشیون تحت عنوان دفاع از اسلام که برای شان احساس سهیم شدن به یک مقاومت و تلاش دسته جمعی را می‌دهد، و همه اغتشاشیون عین هدف را که خروج عساکر خارجی از افغانستان می‌باشد، تعقیب می‌نمایند.

بدون خلق نمودن یک مانع، تنوع تشکیلاتی جنبش‌های اجتماعی ساختن یک هویت دسته جمعی را امکان پذیر می‌سازد. حاصل این ارتباطات در بین جنبش‌های مختلف دو عنصر که باهم مخالفت و ضدیت دارند، می‌باشند. هر جنبش منافع تشکیلات خود را به دست می‌آورد، طور مثال منافع القاعده و منافع تحریک طالبان افغان یکی نیست، تنها چیزی که بین شان مشترک است و آن‌ها را به هم ارتباط می‌دهد، همانا دفاع از اسلام می‌باشد. و از طرف دیگر محیط سیاسی - اجتماعی مشخص گردیده است توسط یک نا متجانس بودن قدرت‌های محلی یا قومندان‌های محلی است که قلمرو‌های مختلف اما همجوار را تحت کنترل دارند. به عبارته دیگر تنوع تشکیلاتی جنبش‌ها نشان دهنده یک مطابقت به محیط اجتماعی - سیاسی در داخل گروپی می‌باشد که در آن عمل می‌کنند.

این عملیه به یک پدیده شکل دادن دوباره ساختارهای محلی و قنندار دلالت می‌کند، زیرا به قسمی که توسط رژیم قبلی به جا مانده است، عبارت از پارچه پارچه شدن محلات و اقتدار می‌باشد.

سه نوع مؤثریت: خود را مطابقت دادن به فعالیت‌های مخفی، استفاده از پراگندگی بی‌نهایت قدرت، تفرقه و به پارچه‌ها تقسیم شدن جهاد از نظر سیاسی - اجتماعی.

از تنوع تشکیلاتی و استفاده از ستراتیژی نفوذ کردن در بین مردم جهت به راه انداختن اولین عملیات شورشیان، در جا ها و محلات مختلف، مخصوصاً در آن جا هایی که شورشیان در آن پایگاه های خود را ایجاد نموده اند، بهره برداری کردند.

اولین نفوذ یا داخل شدن شورشیان:

در تسهیلات بسیج شدن دسته جمعی، رول شبکه های اجتماعی را از سه جهت باید مد نظر گرفت: تبادلۀ معلومات، احساس تعلق داشتن به گروه، و دسترسی به منابع لوژیستیکی.

دوگانگی و مبهم بودن شبکه های اجتماعی را به حیث تسهیل گر در بسیج نمودن باید مورد توجه قرار داد. در حقیقت برای هر یک از مشخصات، شبکه های اجتماعی می توانند که در عین زمان برای بسیج شدن حمایت گر و کمک کننده، و یا برعکس مانع ایجاد کننده و جلوگیری کننده باشند.

مطالعات زیاد نشان داده است، که شبکه های اجتماعی یک رول بسیار بزرگ را در پیشبرد خشونت ها جهت همکاری و کمک باشندگان محل برای جنگجویان بازی می کنند.

این شبکه ها در عین زمان که وسیله دوران نمودن افکار، و سبب ساختن ایدیولوژی و بسیج نمودن می باشند، می توانند برخلاف آن سبب تقبیح نمودن و نکوهش نیز گردند.

نصب نمودن اولین پایه شبکه های اجتماعی:

شبکه های اجتماعی نظر به امکانات که برای جذب نمودن افراد به دسترس تشکیلات قرار می دهند، مورد استفاده قرار می گیرند. اما به گمان اغلب، اکثریت جنگجویان به دلیل شناسایی قبلی با تشکیلات به آن ملحق می شوند. و فعال بودن شان در داخل شبکه به دلایل عاطفی و عقیدتی شان می باشد.

رول شبکه های اجتماعی:

موجودیت این شبکه ها در مواضع و مکان های مختلف برای این جنبش ها حیاتی می باشد.

در این موضوع یک ریسرچ بسیار مهم توسط مونسوتی (A. Monsutti)، بالای انکشافات مشخص ستراتیژی مهاجرت ها در اوضاع و احوال خشونت های پیهم در یک محیط اجتماعی پارچه پارچه از سال های 1980 میلادی صورت گرفته است.

مطالعات و ریسرچ تجربی مونسوتی در مورد فامیل های یک ولسوالی غزنی که به قوم هزاره تعلق دارند، به عمل آمده است:

مؤلف ستراتیژی مهاجرت آن ها را که از یک نقطه توسط یک گروپ آغاز می شود. مسیر این گروپ را بین غزنی در افغانستان، کویت در پاکستان و ایران ترسیم می کند. وی نشان می دهد که چطور موجودیت چند موقعیتی گروپ های که بین هم شناسایی و ارتباطات دارند، در جا هایی مختلف برای دوران مادی، فزیک و معلوماتی عمل می کنند. گذشت زمان به این شبکه های مهاجر اجازه می دهد تا مجبوریت های ناشی از محیط را به طریقه های که به کارگران فصلی اجازه رفت و آمد بین نقطه شروع یا حرکت، و پناهگاه مؤقتی شان، مخصوصاً برای برگشت کنندگان فصلی به ارتباط حفظ فعالیت های زراعتی شان، از نقطه که از آن جا عزیمت نموده اند، بدهد.

این رفت و آمد ها و تغییر مکان دادن ها برای فعالیت های اقتصادی اعضاء شبکه ها و فامیل های شان خیلی مهم است. زیرا از محلات اصلی شان به خارج از سرحدات در پناهگاه های شان، ایران و پاکستان، خرید و فروش و تبادل اموال صورت می گیرد، و همچنین در آن جا ها فعالیت های روزمزد نیز برای شان مساعد می باشد.

این گروه ها یا شبکه های چند موقعیتی یک وسیله کمکی برای دوران اشخاص و اموال از یک محیط خشن (ظلم علیه مهاجرت ها از طرف قدرت های دولتی و خشونت های مسلحانه) به واسطه تولید نمودن بعضی سمبول ها که ثبوت داشتن پیوستگی و تعلقات شان را نشان می دهد، و این سمبول ها مانند یک گذر نامه یا رمز مخفی وظیفه اجرا می کنند، که تعلق داشتن فرد را به یک گروه خاص نشان می دهد.

هیچ وقت معنی رمز ها و نشانی ها (ramz, neshânis) را در نزد افغان ها فهمیده نتوانستم، استعمال آن واضح نیست. شاید ابراز یا بیان حدود گروه و یا عدم اعتماد عمومی. افغان ها اکثراً در ضمیر خود یک سلیقه به رمز و خیال دارند و همیشه در صدد پیدا نمودن تضمین برای اصالت دادن و درستی پیام هستند، مگر این دلالت می کند به یک باریک بینی که تضمین کننده اعتماد می باشد، که حیاتی است، در این وضعیت، حال و احوال بی امنیتی که همه در آن غرق هستند، مفهوم رمز و نشانی سمبول های واقعی و حقیقی می باشند.

در زبان یونانی قدیم فعل سمبلو (Sumballo) به معنی با هم یکجا شدن، جمع شدن و نزدیک شدن می باشد و از آن جاست که سمبلان (Sumballon) به معنی شناسایی، قدردانی، حق شناسی و سپاس می باشد.

نزد یونانی های قدیم این اصطلاح تشخیص کننده یک چیز، یک شی و یا یک موضوع بود که دو نفر هر کدام آن ها نیم آن را حفظ می کردند، این دو شخص وقتی با هم نزدیک می شدند، آن را یکی به دیگری تفویض می نمود و این دو قسمت برای شناسایی انتقال دهندگان استفاده می گردید.

در بین افغان ها استعمال این نوع رمز های مخفی و گردش یا دوران نمودن اشیاء اجازه نگهداری روابط اجتماعی را با وجود پراکنده شدن و متفرق شدن شان می دهد.

این ها سرنوشت ساز یک جامعه است که با وجود پراکنده بودن، تخیلی می باشد، و در عین زمان ابراز سمبولیک از روابط اجتماعی شکننده، در یک دنیای زود گذر و ناپایدار می نماید که همه ما در آن مسافر هستیم.



ادامه دارد